

نگاهی به دیدگاه زیباشناسانه و ادبی امام جعفر صادق (ع)

ستاره موسوی^۱: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

مصطفی مهدیان: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

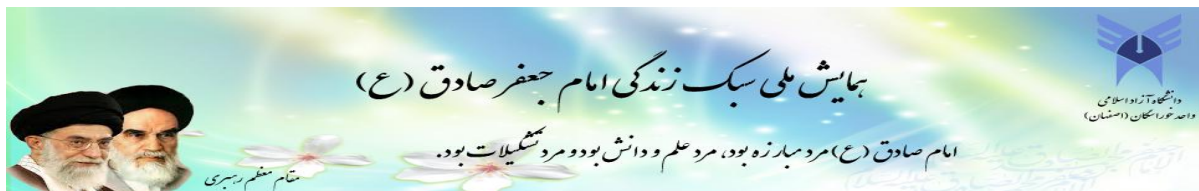
دکتر محمد جواد لیاقتدار: عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

تربیت یکی از مؤثرترین عوامل در شکل گیری شخصیت انسان است و چنان چه مبنای نظری آن از صحت کامل برخوردار باشد ، فرد و جامعه می توانند از آثار و پی آمدهای مطلوب و مثبت آن ، بهره هایی فراوان ببرند و تربیتی در رشد فرد موثر می باشد که فرد در زمینه های مختلف و حیطة های متفاوت رشد دهد. پیشوایان دین اسلام از جمله امام صادق به دلیل رشد و بلوغ فکری مسلمانان به رشد علوم مختلف فرهنگی، سیاسی و ادبی پرداخته اند. از آنجا که در تحقیق ها به مسئله رشد هنر و ادبیات در عصر امام صادق و دیدگاههای ایشان در این راستا توجه محدودی نشده است تحقیق حاضر با روش اجمالی در عین اشاره به سیره و نکته های حکمت آمیز این معصوم به وضعیت علوم ادبی در عصر امام صادق و دیدگاههای ادبی ایشان پرداخته است.

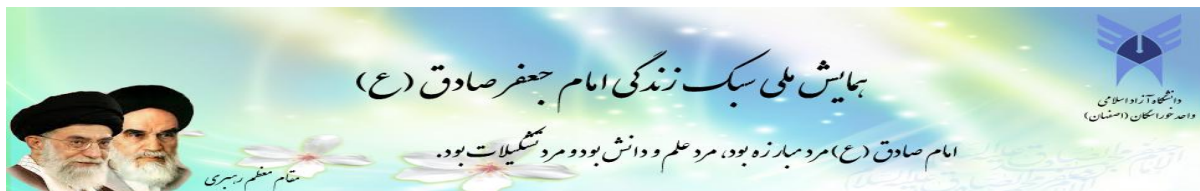
واژگان کلیدی: انسان، اسلامی، فرهنگ و ادب، امام جعفر صادق (ع)

^۱ - نویسنده مسئول ، Email: setarehmousavi@gmail.com



مقدمه

تربیت یکی از مؤثرترین عوامل در شکل گیری شخصیت انسان است و چنان چه مبنای نظری آن از صحت کامل برخوردار باشد، فرد و جامعه می توانند از آثار و پوی آموخته های مطلوب و مثبت آن، بهره هایی فراوان ببرند. «زندگی» و «تربیت» برای انسان دو مفهوم لازم و ملزوم یکدیگرند که بدون یکی، وجود دیگری امکان ندارد. انسان تازمانی که زنده است به تربیت نیازمند است و او را تربیت می کنند تا بتواند زندگی کند؛ زیرا زندگی، سازگاری با محیط طبیعی و اجتماعی است. البته همیشه سازگاری وجود ندارد، بلکه بعضی مواقع ناسازگاری نیز هست؛ این سازگاری، در صورتی سودمند خواهد بود که سازنده و مثبت باشد و پیدایش این نوع سازگاری، مستلزم تربیت صحیح است. زندگی اجتماعی انسان، عبارت است از: یک سلسله روابط؛ و این روابط در صورتی سالم و سودمند خواهد بود که فرد از تربیت اخلاقی برخوردار باشد. اسلام دینی همگانی است و کلمه دین از لحاظ نظری دارای عمق و معنای زیادی است زیرا دین به اعتقادات، عبادت ها، ارزش ها، قاعده های رفتار، نظام ها و تجربیات مرتبط است. فرایند تربیت اسلامی را می توان به سه عنصر اساسی تفسیر کرد: هستی، انسان و زندگی هستی از دیدگاه اسلامی مخلوق خداست و به صورت منظم خلق شده و حرکتش دارای هدف معینی است. هستی با همه زمین، آسمان، نجوم، افلاک و همه آنچه در آن است در یک سطح با هم در تعاملند و توازن، اعتدال و ارتباط آنها حساب شده است به طوری که افزایش یا کاهش هر یک از عناصر، در نظام طبیعت اختلال ایجاد می کند. پس تربیت اسلامی ترتیبی متوازن است یعنی جنبه نظری آن بر جنبه عملی یا بالعکس و هم چنین جنبه عینی آن بر جنبه ذهنی غالب نیست. اینها مبنای یک خلقت هدفمند، واحد و متوازن است. اما انسان موجودی است که برای تحقق هدفی خلق شده است. این هدف در اسلام (عبادت خدا) است و مقصود از عبادت تنها اقامه شعائر دینی مانند نماز نیست زیرا مثلاً جهاد و تحصیل در اندیشه اسلامی عبادت است پس دانش آموز، وقتی وظایف تحصیلی خود را انجام می دهد و سر باز، در جنگ با دشمن در حال عبادتند. پس انسان در اندیشه اسلامی از جسم، روح، رفتار و عواطف تشکیل شده است و یک مخلوق بشری متوازن است و وظیفه تربیت اسلامی، توجه به این مخلوق با تمام ابعاد عقلی، جسمی، عاطفی، اجتماعی و معنوی است و تربیت اسلامی از این نظر انسان را به منزله یک کل و واحدی مرتبط، منسجم و متوازن می داند و فقط به یکی از جنبه های انسان اهتمام نمی ورزد. برنامه های عملی همیشه مؤثرترین برنامه هاست؛ زیرا عمل، حکایت از ایمان عمیق انسان به گفتارش می کند و سخنی که از دل برآید بر دل نشیند. مردم را با رفتار خود به حق رهبری کنید، نه با زبان خویش. همیشه وجود الگوها و سرمشق های بزرگ در زندگی انسانها وسیله مؤثری برای تربیت و پرورش روحی آنان بوده است، به همین دلیل، پیامبران و پیشوایان معصوم (ع)، مهم ترین قسمت هدایت و تربیت را با عملشان نشان می دادند. آری، برای تربیت معنوی و تزکیه روحی مردم ذکر نمونه و اسوه امری ضروری است که قرآن کریم به این موضوع اهمیت فوق العاده قایل شده است و کراراً به پیامبر اکرم می فرماید: به یاد پیامبران بزرگ باش که برخوردار از این صفات برجسته انسانی و واجد فضایل و مکارم روحی بودند؛ البته روشن است که مقصود اصلی خطاب به مؤمنان و گروهانان به اسلام است که درس مقاومت و پایداری و اخلاص و اعتقاد و عمل را از انبیا بیاموزند و گرنه پیامبر اکرم (ص) مقتدای تمام پیامبران و اولیا و معصومان (ع) است. زندگی اجتماعی انسان،



عبارت است از: یک سلسله روابط؛ و این روابط در صورتی سالم و سودمند خواهد بود که فرد از تربیت اخلاقی برخوردار باشد. اسلام دینی همگانی است و کلمه دین از لحاظ نظری دارای عمق و معنای زیادی است زیرا دین به اعتقادها، عبادت ها، ارزش ها، قاعده های رفتار، نظام ها و تجربیات مرتبط است. فرایند تربیت اسلامی را می توان به سه عنصر اساسی تفسیر کرد: هستی، انسان و زندگی هستی از دیدگاه اسلامی مخلوق خداست و به صورت منظم خلق شده و حرکتش دارای هدف معینی است. هستی با همه زمین، آسمان، نجوم، افلاک و همه آنچه در آن است در یک سطح با هم در تعاملند و توازن، اعتدال و ارتباط آنها حساب شده است به طوری که افزایش یا کاهش هر یک از عناصر، در نظام طبیعت اختلال ایجاد می کند. پس تربیت اسلامی ترتیبی متوازن است یعنی جنبه نظری آن بر جنبه عملی یا بالعکس وهم چنین جنبه عینی آن بر جنبه ذهنی غالب نیست. اینها مبانی یک خلقت هدفمند، واحد و متوازن است. اما انسان موجودی است که برای تحقق هدفی خلق شده است.

تاکید تربیت اسلامی بر رشد همه حیطه های ارزشی و هنری

تربیت انسان شایسته، نقطه مشترک غالب شیوه های تربیتی، اندیشه (هم وطن شایسته) است ولی هدف تربیت اسلامی (انسان شایسته) است و این هدف بزرگ تر و فراگیرتر است و هدفی جهانی برای تربیت و تعلیم به حساب می آید پس تربیت اسلامی همچون تمدن اسلامی عبارت است از نتیجه کنش و واکنش فرهنگ ها، و آداب ملت های مختلفی که در سایه حکومت اسلامی و تحت تأثیر زبان عربی انسجام و ارتباطی پیدا کرده اند.

- داشتن اطلاعات مفید برای فرد و جامعه

- توازن میان انواع شناخت ها پس علوم نظری بیش از علوم عملی و بالعکس نیست

- آموزش اجباری و رایگان: فراگیری علم بر هر مرد وزن مسلمان واجب است و تربیت اسلامی نوع آموزش اجباری را تعیین نمی کند، زیرا آموزش اجباری به جهت اختلاف شرایط حاکم بر جوامع، متفاوت است.

- تربیت مستمر: تربیت اسلامی همیشگی است و در طول زندگی استمرار دارد

- ایجاد فرصت های آموزشی یکسان: افراد جامعه اسلامی نه تنها در (تعلیم) بلکه در همه چیز مساویند.

- هم زمانی آموزش و پرورش، به کار گیری علم باید همراه ضوابط اخلاقی باشد

- جایگاه علم و عالم، معلم و اهتمام به آموزش ارزش بالایی دارد زیرا خداوند می فرماید یکو آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند برابرند.

- تأکید بر فراگیری علم مفدی و سازگار با ارزش های اسلامی

- تنوع شیوه های آموزش: راه های کسب معرفت در تربیت اسلامی متفاوت، گسترده و عمومی است از راه گوش، قرائت، چشم و ... امکان پذیر است.



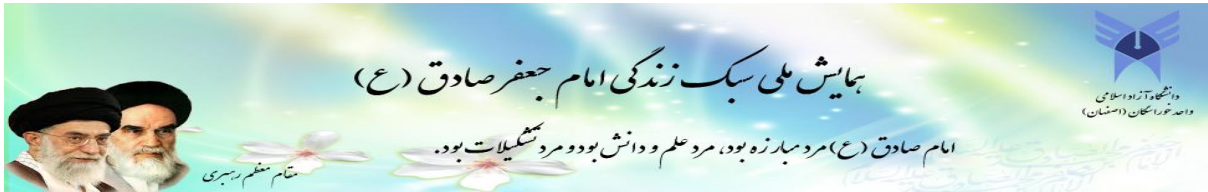
- توجه به معنویت هدف تربیت اسلامی ایجاد ارتباط همیشگی میان انسان ها و خداوند است .

- تربیت عاطفی ، یعنی رساندن فرد به مرحله ای از رشد عاطفی که فقط متنفر باشد و در وقت غضب خشمگین نشود .

- تأکید بر پذیرش عقیده های منطقی و مستدل ، تربیت اسلامی توجه زیادی به ورزیدگی عقل از طریق استدلال مستمر ، یعنی راه فکر کردن ، به کار گرفتن برهان و اعتماد نکردن به گمان دارد .

- توجه به تربیت جسمانی : اسلام به ارضای نیازهای مادی مثل خوردن ، آشامیدن و پوشیدن ، به شرط آن که با تربیت اسلامی متناسب باشد ، معتقد است و به ورزش بدنی مثل شنا ، تیر اندازی و اسب سواری توصیه می کند و قوای جسمانی را در راه سعادت فردی و اجتماعی به کار می گیرد .

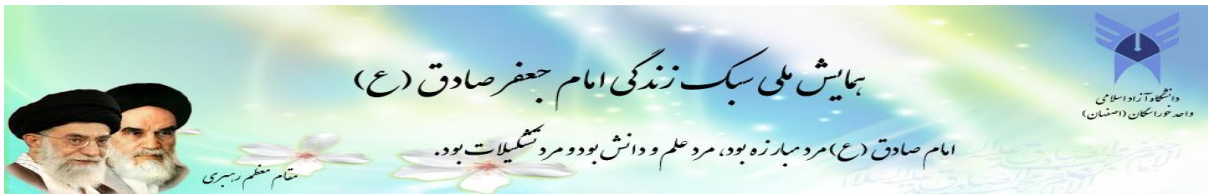
در تربیت اسلامی جمع و اجتماعی بودن اهمیت ویژه ای دارد . تربیت اجتماعی یعنی استقرار ارتباط میان فرد و جامعه است که در مسائل زیر نمایان می شود : الف - رشد آگاهی فرد به مسئولیتش - آشنایی با حقوق متقابل فردی و گروهی و تأکید بر وحدت جامعه - تقویت روحیه مثبت نگری و انجام واجبات و اینها خصلتهای طبیعی و غریزی انسان است که در نظام تربیت اسلامی تعدیل و هدایت می شوند، و بدیهی است که در کنار اینها استعداد های متعالی و گرایشهای معنوی است که شخصیت حقیقی انسان را تشکیل می دهد و به شیوه متعال و هماهنگ در تربیت اسلامی مورد توجه است. در متون آموزه های اسلامی نیز مراحل رشد و تربیت انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روحانی و مادی و معنوی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم مراحل آفرینش انسان را از نقطه آغازین خلقت او یعنی هنگامی که خاک به صورت گیاه درآید و به مواد غذایی و سپس خون و نطفه مبدل گردد تا هنگامی که در عالم جنین به صورت علقه و مضغه و... درآید و آماده افاضه روح شود. مدت آموزش در اسلام به اندازه عمر انسان است و خانه (خانواده) اولین مکان آموزشی است . اما برای فرزندان افزون بر خانه ، (مدارس کوچکی) نیز وجود دارد که در آن جا خواندن ، نوشتن ، قرآن و حساب یاد می گیرند. اما مکان آموزشی بزرگسالان ، مساجد است که در آن جا با انواع آموزش ها آشنا می شوند. تمدن اسلامی از غنی ترین تمدن های جهان است. نمادها و اصول تهاجم در برابر تربیت متعدد است و تمامی جنبه های زندگی جدید را در بر می گیرد : تهاجم های اقتصادی ، نظام های اقتصادی را تغییر می دهد و زمینه های جدیدی در تولید ، صادرات ، هم کاری ، رقابت و ... برای بهره برداری ، مصرف و داد و ستد اقتصادی می گشاید انسان به خاطر هواهای نفسانی به سرعت منحرف می شود . لذا باید برای رفتار و زندگی او برنامه ریزی کرد . امروزه تمام نظام های قراردادی به ناتوانی خود در رسیدن به خواسته هایشان اعتراف کرده اند ، ولی خداوند متعال امت اسلامی را یک برنامه فوق بشری متمایز ساخته است بنا بر این ، در اسلام وجود انسان در این دنیا موقت و بعد مادی او رو به فنا است در حالی که بعد روحانی او جاودانه است (به جاودانگی زندگی آخرت) و انسان باید تلاش کند تا از خلال زندگی دنیا به آن برسد در اسلام دانش و دانشمندان در خور تقدیر و احترامی شایسته اند . مسئله ی تربیت خیلی مسئله ی مهمی است. دنیا به علم توجه دارد. به تربیت توجه ندارد. قرآن کریم یکی از روشهای مؤثر در تربیت را «یاد مرگ و قیامت» دانسته است. این صحیفه آسمانی وقتی پیامبران الهی را به عظمت و بزرگی یاد می کند، می فرماید: یاد قیامت و سرای آخرت بود که آنها را به این مرتبه والا و مقام و منزلت عالی انسانی رسانید. «به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را صاحبان (دستهای نیرومند) و (چشمان بینا) ما آنها را با خلوص ویژه از پیامبر اکرم (ص) روایت شد که فرمود: «برترین زهد در دنیا یاد مرگ است و برترین عبادت یاد مرگ است و برترین اندیشه یاد مرگ است.» و نیز فرمود: «زیرک ترین مردم کسی



است که بیش تر به یاد مرگ باشد. «هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، به اندک سرمایه دنیا راضی می شود.» «هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، خداوند او را دوست دارد.» برانگیختن حساسیت جامعه در رویارویی با ناهنجاری های اخلاقی از موضوعات درخور توجه در روش های راهبردی اهل بیت (ع) در حوزه اخلاق، ایجاد حس مسئولیت پذیری و حساسیت در برابر شکستن هنجارهای دینی و اخلاقی است. اهتمام شدید اهل بیت (ع) به این مقوله، از مضمون بسیاری از احادیث اسلامی قابل پی گیری است. بی گمان جامعه ای که در برابر شکستن هنجارهای اخلاقی، به مرور زمان شکل بی تفاوتی و مسئولیت ناپذیری به خود بگیرد، جامعه ای غفلت زده و آسیب پذیر خواهد بود. به راستی اگر کسی در برهه ای از زندگی در برابر هنجارشکنی عده ای از حریم شکنان، مهر سکوت بر لبان خویش زده و به صورت این که این هنجار شکنی ها ربطی به حریم خصوصی زندگی وی ندارد، از خود حساسیتی نشان ندهد، آیا می تواند در درازمدت از این موج بر انداز در امان بوده و خود و خانواده اش را از تجاوز هنجار شکنان مصون دارد؟ مگر نه آن که شکستن حریم های دینی، در یک سطح متوقف نمی ماند و به مرور زمان به شکل ویروس به تمام اقشار جامعه سرایت خواهد نمود، پس چگونه است که ما این روش راهبردی و تأمین کننده ی سعادت جامعه را به بوتله فراموشی سپرده و در لاک خویش سر فرود برده ایم؟! پر واضح است که هر یک از مصادیق قطعی حریم شکنی (دین، ناموس، مال و شخصیت فردی و اجتماعی) در جامعه کنونی می تواند همانند غده ی سرطانی رشد کرده و سلامت اجتماع را با تهدید جدی رو به رو سازد. شکستن حریم عفت، حجاب، روابط سالم زن و مرد و ترویج اختلاط و ده ها نمونه ی دیگر، در صورت عدم حساسیت به آن ها، تمام بدنه ی اجتماع را با سرعت تمام فرا خواهد گرفت و زمینه را برای تجاوز دشمنان و چپاول ثروت های کشور فراهم خواهد ساخت. در سخنان اهل بیت (ع) پیش گیری از ناهنجاری های اخلاقی، به عنوان روش پیامبران و انسان های صالح معرفی گردیده است؛ چنان که با توجه به این تکلیف اصلی می توان در جامعه اسلامی بستر توجه به تکالیف دیگر را در سطحی فراگیر فراهم ساخت، تمام مذاهب و فرق را به ایمنی و آرامش رسانید، زمینه ی تجارت و مبادلات مالی صحیح را مهیا نمود، ظلم و ستم به دیگران را سرکوب کرد، جامعه را آباد ساخت و دشمنان حریم دین را به جای خویش نشانید و امور را سامان بخشید. در روش تربیتی اهل بیت (ع) یاد دهی قرآن به دیگران، دارای جایگاه بلندی است. یکی از اهداف مهم شریعت انسان ساز اسلام و بعثت انبیاء (ع) تربیت و تزکیه انسان است. قرآن کریم کامل ترین کتاب تربیتی و اخلاقی است و جامع ترین هدفها و روش های تربیتی در ابعاد فردی و اجتماعی را در بردارد. با اندکی تدبر آیات این صحیفه آسمانی درمی یابیم که بهترین راه تربیت که مبتنی بر شناخت حقیقت انسان و همه نیازها و وجوه اوست، راه وحی است، راه سنت الهی و سنت معصومین (ع) است.

اهمیت شعر و ادب از نگاه امام صادق (ع)

دین و هنر همواره در یک تعامل همیشگی و استوار قرار داشته اند و لذا سرشت هنر آمیخته با دین و آموزه های دینی است . دین در تلطیف فضاها، زیبایی و ادراک مفاهیم درونی و معانی خودمرهون هنر است و هنر، جاودانگی و رسیدن به مرزهای کمال مطلق را در مفاهیم دینی جست وجو می کند . اسلام و تمامی ادیان توحیدی و غیر توحیدی هنر را تأیید نموده، آن را برخاسته از فطرت و ذات انسان می شناسد . اسلام به عنوان بزرگ ترین و کامل ترین دین، هنر را با وصف التزام تعهد می پذیرد . فقهاء که هم حافظان و هم حاملان متون دینی هستند و هم مکلف به پاسخگویی به شبهات و پدیده های هنری که وارد قلمرو یک اجتماع دینی می شوند، ابتداجنبه های مختلف آن را آسیب شناسی کرده و آنگاه گزاره هایی را در برابر آن قرار می دهند و از اینجاست که هنر واقعی و فطری از ابتدال و هنر مبتذل باز شناسانده می شود. تا قبل از ظهور دین اسلام،



شعر و به طور کلی هنر روند خاصی را در میان جوامع عربی درپیش گرفته و هم پای فرهنگ بدوی عرب این روند را طی کرده است. ظهور اسلام به مثابه ی آیین یکتا پرستی، تعلق جدیدی از هنر در اذهان به وجود آورد و معیارهایی که پیش از آن به عنوان ارزش در جامعه مطرح و مورد احترام همگان بود جای خود را به ارزش های برتری داد.

بنابراین ادبیات به عنوان تجلی گاه عواطف و اندیشه های انسان در گذر زمان می باشد و ظهور اسلام در دورانی صورت پذیرفت که از بارزترین ویژگی های آن، ادب و سخنوری بود. معجزه ی اسلام نیز یک اثر برجسته ی ادبی است و ادبیات اهل بیت (ع) همان ادبیات شیعی می باشد که جزئی از ادبیات اسلامی است و از آنجا که ادبیات، زبان احساسات است و مظهر عواطف و گرایش های درونی و از آنجا که عقیده، منبع بیشتر این عواطف و گرایش هاست لذا نقش عقیده در به وجود آمدن یک عمل ادبی مشخص می شود و ادبیات ائمه (ع) نیز یک ادبیات عقیدتی محض است. در به وجود آمدن یک عمل ادبی عوامل خارجی نیز مؤثر است و از آنجا که شیعه همیشه متأثر از عواملی چون ترس، رهب و تقیه در برابر دشمنان خود بود این عوامل در ادبیات شیعی به چشم می خورد (نغمه، ۱۴۰۰: ۸۷-۸۹).

در حقیقت شیعه را می توان مظلوم ترین مذهب ها در اظهار عقاید خویش دانست، چه بلاهاکه بر سر شیعه نیامد اما با همه ی مشکلات، شیعه حتی یک لحظه، چه با شمشیر و چه با قلم، ساکت ننشست. یکی از مؤثرترین ابزارهای تبلیغی شیعه در دوره ی ظلم و استبداد امویان و عباسیان قلم بود که شیعه قلم در دست گرفت و نوشت. شعر هم یکی از مخلوقات آن بود. شعر شیعی با تأثیرپذیری از قرآن کریم و احادیث توانسته است یک تکیه گاه برای شیعه باشد. مبدأ ادبیات شیعی غدیر بود. بعد آن مصایب کربلا و واقعه ی عاشورا در ادبیات شیعی منعکس شد تاجایی که ادبیات عاشورایی سرشار از غنی ترین احساسات شیعه می باشد.

ادبیات در عصر صادقین (ع)

ادبیات در قرن دوم یا ادبیات در عصر صادقین (ع) از سال ۹۶ تا ۱۴۸ هجری امتداد یافت. در این دوره حکومت امویان منقرض شد و به عباسیان رسید. این عصر آغاز تحولات فرهنگی مهمی است که حاصل اختلاط مسلمانان با ملت های سرزمین های فتح شده و در نتیجه آمیختگی فرهنگی از طریق ترجمه فرهنگ های یونان، ایران و هند در عرصه های مختلف علمی و ادبی است (البستانی، ۱۳۸۱؛ ۱۷۵). امام صادق (ع) با توجه به فرصت مناسب سیاسی و نیاز شدید جامعه، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش را گرفت و حوزه وسیعی در علم به وجود آورد و در رشته های مختلف علمی و نقلی شاگردان بزرگی تربیت کرد. شاگردانی چون: هشام بن حکم، مفضل بن عمر کوفی جعفری، محمد بن مسلم ثقفی، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مومن طاق، جابر بن حیان و تعداد شاگردان امام (ع) را تا چهار هزار نفر نوشته اند. امام (ع) در دوران خود مصایبی را که بر اهل بیت (ع) و پیروانش از طریق بنی امیه و بنی عباس رسید شاهد بود. در هنگام انقلاب عمویش زید بن علی ۴۲ سال داشت و در انقلاب یحیی پسر زید ۴۵ سال، انقلاب نفس زکیه در ۵۲ سالگی امام (ع) رخ داد و انقلاب ابراهیم پسر عبدالله در حدود ۶۵ سالگی امام (ع) به وقوع پیوست و در تمام این انقلاب ها مسایلی بر شیعیان گذشت و فجایعی رخ داد که ادبیات شیعه را دگر بار دچار غم و اندوه کرد (الملتی، ۱۴۲۱: ۶۸).

بارزترین ویژگی های اندیشه ی ادبی امام صادق (ع)

از ویژگی های ادبیات امام صادق (ع) عمق فکر، دقت نظر و غنای معانی است که از تنوع معرفت و تعدد اطلاعات برخوردار است. کلام امام (ع) مطابق با اندیشه ی ادبی است به گونه ای که تعبیرات دقیق، اسلوب واضح و کلام آهنگین از ویژگی های بارز آن است. اندیشه ی ادبی امام (ع) با فکر علمی ایشان در فقه، تفسیر، سیاست، اجتماع و علوم طبیعی و ماورای طبیعی



همراه است. ادبیات امام (ع) در احادیث و دعاهای ایشان آکنده از عشق و حرارت و سوز و گداز است. علاوه بر آن که اسرار بلاغت و قوت بیان نیز در حکمت های اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و فلسفی ایشان تجلی نموده است (الحاج حسن، ۱۴۱۸: ۲۲۹).

اما از بارزترین ویژگی های اندیشه ی ادبی امام (ع) می توان موارد زیر را برشمرد:

1- بسط و طولانی کردن تفکر در اشیاء و معانی همراه با دقت نظر در آن؛ که این ویژگی در ردادهای مذاهب مادی و اثبات وجود خداوند و نیز آفرینش اعضاء بدن و علت آنها به چشم می خورد. در کتاب توحید مفضل این خصوصیت به وضوح یافت می شود، هم چنین در حکمت های آن حضرت معروف به نثرالدرر این خصوصیت زیاد است که مثلا امام (ع) از آفرینش چشم و علت کروی بودن آن سخن می گویند (الأشتر، ۱۴۲۱: ۷۲)

2- تنوع معرفت در امور دین و دنیا و اطلاع بر فرهنگ های مختلف؛ تا جایی که می بینیم امام (ع) در خصوص علم، عقل، فکر و ... صحبت می کنند، مثلا می فرمایند: « لا ینبغی لمن لم یکن عالما أن یعد سعیدا »: سزاوار نیست که به شخص غیر عالم، خوشبخت گفته شود (همان، ۷۴)

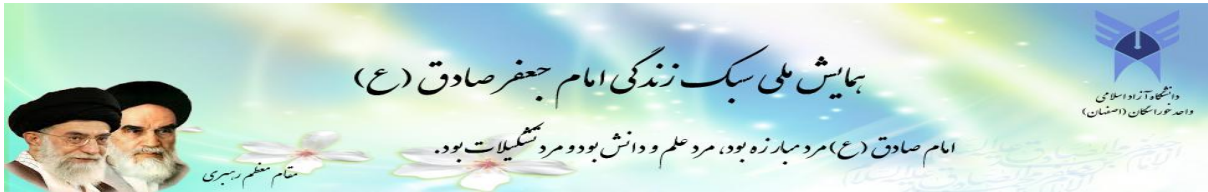
۳- توجه امام (ع) به ادبیات فردی و اجتماعی و تقویت روح اجتماعی در مردم؛ در این باره می فرمایند « لکل شیء شیء یستریح إلیه و إن المؤمن یستریح إلی أخیه المؤمن کما یستریح الطیر إلی شکله » یعنی برای هر چیز، چیزی وجود دارد که در کنار آن به آرامش می رسد و مؤمن نیز در کنار برادر مؤمنش به آرامش می رسد همان طور که پرنده در کنار هم شکل خود به آرامش دست می یابد. امام (ع) گاهی در حکمت های خود بعد سیاسی را نیز مدنظر دارند و مردم را به بیداری فکری و آزادی از قید عبودیت دیگران دعوت می کنند و می فرمایند « من أطاع المخلوق فی معصیة الخالق فقد عبده » هر کس در معصیت خالق از مخلوق اطاعت کند در حقیقت مخلوق را عبادت کرده است. علاوه بر این ها امام (ع) در حکمت های خود در حق مسکین ها و ضعفاء نیز سفارش هایی دارند (همان، ۷۵).

۴- قوت ساختار و ایجاز در کلام؛ به طوری که در معنای مقصود خللی وارد نشود. این ویژگی را می توان جزء ویژگی ادبیات مکتب اهل بیت (ع) دانست چرا که ائمه (ع) در عین ایجاز در کلام با قوت در ساختار و حرارت روح سخن می گفتند به طوری که کلام آنان علی رغم موجز بودن در قلب شنونده تأثیر می گذاشت. نمونه های این ویژگی در حکمت ها و کلمات قصار ائمه (ع) به وفور یافت می شود امام صادق (ع) در کلمات قصار خود می فرمایند « کثرة النظر فی الحکمة تلحق العقل ». زیادی دقت در حکمت، عقل را می افزاید (همان، ۷۶). بنابراین با وجود این ویژگی ها، در ادبیات امام صادق (ع) از نظر فنی، نوعی وسعت در معانی، دوری از لفظ، زیبایی و دل نشینی در کلام به چشم می خورد.

فقه امام صادق نزد شیعه

نگارنده در این بخش، به بررسی فقه امام صادق (ع) می پردازد و می گوید بر این اساس ناچار به شناخت فقه امام صادق (ع) از طریق شیعه هستیم. منظور ما از اینان همان امامیه دوازده امامی هستند؛ زیرا آنان در گفتار به این تمسک جست هاند که فقه آنان به امام صادق و دیگر ائمه یازده گانه م ی رسد. از سوی دیگر امام دوازدهم غایب است، و علم وی در دوران غیبت شناخته نم ی شود. در اینجا بایست به دو نکته اشاره کنیم:

۱. آرای امام همان احادیث هستند. حدیث از دیدگاه برادران دوازده امامی شامل احادیث پیامبر و ائمه می شود. سخنان اینان به عنوان آرا خوانده نم ی شود، بلکه اقوال آنان همان سنت متبع و پیروی شده است. اقوال استنباط شمرده نم ی شود. بلکه نصوص ثابتی هستند که در ذات خود دارای حجت هستند. این احادیث از آن یک امام نم ی باشد بلکه این احادیث نزد همه



اٹمه متحد و یگانه است. در کتاب کافی چنین آمده است از حمادبن سالم و حمادبن عثمان عیسی و غیر وی وارد شده است که گفتند: شنیدیم که ابو عبدالله (ع) می فرمود: حدیث من حدیث پدرمست، حدیث پدرم حدیث جدم و حدیث جدم حدیث حسین و حدیث حسین حدیث حسن و حدیث حسن حدیث امیرالمؤمنین و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول الله (ص) و حدیث رسول الله (ص) سخن خداوند است. این خبر از دیدگاه برادران دوازده امامی خبری صحیح محسوب می شود و به صراحت دلالت بر وحدت و یگانگی احادیث نزدائمه دارد. آن چه را امام صادق (ع) می فرماید، همانند چیزی است که پدرش و جدش تا علی بن ابی طالب آن را فرموده اند. این خبر حکایت از آن دارد که گفتار آنان به نام حدیث خوانده می شود و حدیث آنان نیز در حقیقت حکم خداوند است. براین اساس نمی توانیم بگوییم: امام صادق دارای فقهی مستقل از فقه دیگر ائمه است. در کتاب الامام الصادق نوشته علامه مظفری آمده است: شیعه حدیث را چنان از امام صادق (ع) می گرفتند، بمانند کسی که از سرور رسولان (ص) می گیرد؛ بدون تصرف و هرگونه اجتهاد. به این ترتیب مسلمانان بی شک و اعتراض از امام صادق فرا می گرفتند و از وی درباره آنچه که به آن نیاز داشتند می پرسیدند. روایات وی شامل همه چیز می شد.

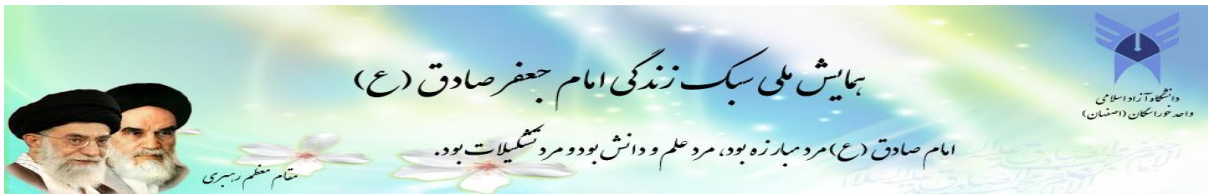
سخنان امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام: - ادنی للعقوق أفّ و لو علم الله شیئاً هو أهون منه لتهی عنه كما قال تعالى: ولا تقل لهما أفّ و... - /پاورقی - (اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۹ و ارشاد، ص ۱۷۹).
پائین درجه عقوق والدین - اف - (آه، آه) گفتن است و اگر خدا کلمه ای پائین تر از این می دانست بیان می داشت. خدا فرموده است به پدر و مادر اف نگوئید.

امام صادق علیه السلام: - یأتی يوم القيامة شیء مثل الكبّة فیدفع فی ظهر المؤمن فیدخله الجنة فیقال: هذا البرّ - /پاورقی - (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۸).
روز قیامت چیزی شبیه توپ (گلوله ای از پنبه) به پشت شخص می خورد و او را به بهشت می کشاند، گفته می شود این عمل صالح اوست.

امام صادق علیه السلام: - أفضل ما يتقرّب به العبد إلى الله بعد المعرفة الصلاة و برّ الوالدین ... - /پاورقی - (تحفة العقول، ص ۲۸۱).
بهترین کاری که بنده خدا را به خدا نزدیک می گرداند پس از شناختن خدا نماز و نیکی به پدر و مادر است.

امام صادق علیه السلام: - عن الرسول صلی الله و علیه و آله إياکم و عقوق الوالدین فإن ریح الجنة یوجد من مسیره ألف سنه ولا یجدها عاق و لا قاطع الاطع الراجح - /پاورقی - (ارشاد القلوب، ص ۱۷۹ و اخلاق شریب، ص ۱۱۷).
از رسول خدا صلی الله و علیه و آله نقل شده که فرمود: از ناراضی ساختن پدر و مادر، پرهیز کنید زیرا بوی بهشت تا هزار سال می رود و عاق والدین و قاطع رحم آن را درک نمی کند.



امام صادق علیه السلام: - بِرِّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ إِذْ لَا عِبَادَةَ أَسْرَعُ بُلُوغًا لِصَاحِبِهَا إِلَى رِضَاءِ اللَّهِ مِنْ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ لَوْ جَاءَهُ اللَّهُ تَعَالَى. - /پاورقی - (مصباح الشریعه، ص ۷۰).
نیکی به پدر و مادر از بهترین معرفت بنده نسبت به خداست، زیرا هیچ عبادتی سودش از نیکی به پدر و مادر بخاطر خدا زودتر به صاحبش نمی رسد.

جنبه های ادبی در دعاهای امام صادق (ع)

برخی دیگر از آثار امام (ع) مانند سایر ائمه (ع) در قالب دعا تجلی می کند. دعا یک عمل ادبی است که از حیث عنصر خارجی بر یک محاوره ی شخصی و توجه به خداوند و از حیث عنصر داخلی بر عنصر وجدان پایه ریزی شده که خواننده به وسیله ی آن به اوج می رسد و مهم ترین عنصر آن عنصر ایقاعی است زیرا دعا نوعی تلاوت است و تلاوت در طبیعتش عنصر ایقاع و موسیقی را طلب می کند مانند جناس، قافیه و... (البستانی، ۱۴۱۴: ۲۸۸). دعا مانند یک درس تربیتی است که مشکلات انسان را بر اساس عقیده و ایمان به خداوند و اصلاح ضمیر و میل به انجام کار خیر حل می نماید. ادب دعا که در آن وسعت روح، حرارت نفس و ایجاز وجود دارد به عمق احساس امام (ع) از وجود خداوند در قلب او و توجه امام (ع) به معبود اشاره دارد.

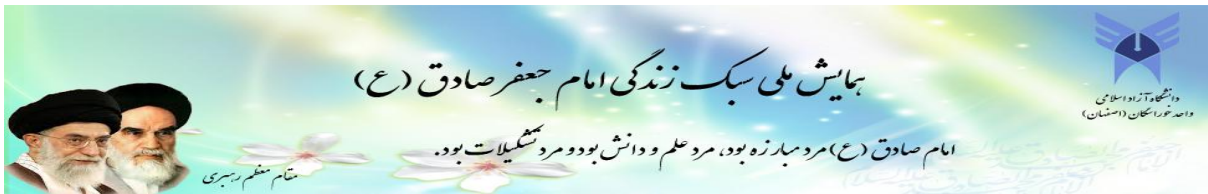
ابعاد ادبی دیدگاه امام جعفر صادق (ع)

غیر از مواردی که درباره ی اهمیت و جایگاه شعر در نزد امام صادق (ع) و شاعران زمان ایشان گفته شد می توان به سروده های خود امام (ع) اشاره کرد. این سروده ها مضامین مختلفی را دربردارند. گاهی امام (ع) به جایگاه امامت اشاره داشته و به معرفی مقام اهل بیت (ع) می پردازند؛ مثلاً در جایی ائمه (ع) را در اصل ستارگانی می دانند که روشنایی بخش دیگرانند و برای مردم حجت و برهان هستند و هم چون دریاهایی می مانند که هر که در آن غوص کند به درو یاقوت و مرجان دست می یابد. ایشان مالکان و خزانه داران سرزمین های مقدس و آسمان ها هستند. امام ریشه ی وفا را نیز در ائمه (ع) می دانند. آن ها هستند که حق وفا را به درستی بجا آورده اند، همان گونه که خوشه ی نخل، شاخه ی درخت نخل را زینت می دهد.

برای تحلیل و نقد ادبی یک شعر باید تجربه ی شعوری شاعر را مدنظر قرار داد. تجربه ی شعوری از مقدمات تجربه ی شعری است. تجربه به این معناست که شاعر به صورت حقیقی یا تخیلی در شرایطی خاص زندگی کرده و تحت تاثیر آن شرایط قرار گرفته و توانسته آن احساسات و انفعالات ذهنی را در قالب شعر بیان نماید. این تجربه یا ذاتی است که نقش مستقیم در زندگی شاعر داشته مانند دوری از محبوب، موفقیت در یک آزمایش و غیره و یا یک تجربه عام است که شاعر تحت تاثیر چیزی است که دیگران نیز متاثر شده اند مانند استقلال وطن (سیدقطب، ۱۴۱۰ ق: ۹).

تجربه ی شعوری در شعرهای قدیم نیز وجود داشته است و از آنجا که ادبیات عصر امام صادق (ع) ادبیاتی نو و به دور از تقلید بود، ایشان با حفظ سبک و سیاق ادبیات زمان خود، پیش رفته اند. در حقیقت تجربه ی امام (ع) یک تجربه ی ذاتی و برگرفته از عرفان امام (ع) بشمار می رود.

صور تعبیری نیز از عناصر تجربه شعوری است که همان صیانت ادبی است و این عنصر، تجربه شعوری شاعر را بر روی صفحات کاغذ به تجربه شعری تبدیل می کند. نقش الفاظ، جمله ها، ترکیب، صور خیال و موسیقی در این قسمت بسیار مهم است (سید قطب، ۱۴۱ ق: ۹ و ۱۰). برای ایجاد یک تجربه شعوری خوب، الفاظ باید دقیق و واضح بوده و از پیچیدگی و



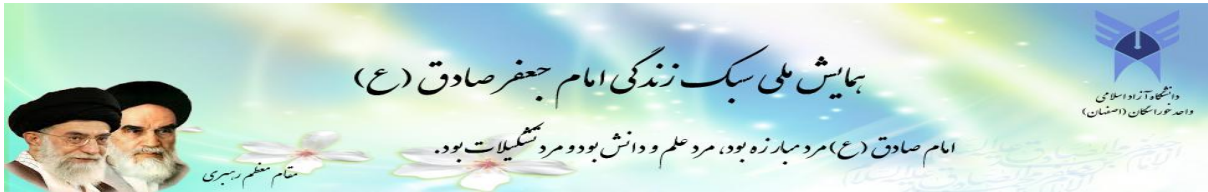
مهیجور بودن دور باشند. جملات و تعابیر باید ملایم و متناسب با افکار و عاطفه و وجدان باشند. صور خیالی نیز شامل تشبیهات، کنایات، استعارات و استفاده از جناس و صنایع بدیعی و بلاغی است که باعث بالا رفتن سطح ادبی شعر می شود. افکار در خلق تجربه شعوری و تبدیل آن به تجربه شعری نقش مهمی ایفا می کنند. قدرت، استعداد و خلاقیت شاعر در تبدیل تجربه شعوری خود به معانی و افکار صحیح، ابداع در شعر نامیده می شود. برای اینکه شعر از انسجام برخوردار باشد باید عاطفه با افکار مخلوط گردد و جدایی این دو از یکدیگر باعث به وجود آمدن شعری خشک و بی روح می گردد (همو، ۱۲). امام (ع) هم در بیان افکار خود با در نظر گرفتن مقتضای حال مخاطب سعی کرده تا با سخنان بی پیرایش خود، افراد عام را نیز مورد توجه قرار دهد. از آنجا که امام (ع) پیوند خوبی بین افکار و وجدان خود ایجاد نمودند، توانسته اند انگیزه های خویش را در روح و روان مخاطب القا نمایند؛ لذا باعث جاودانگی اشعار خود گردیدند.

موسیقی شعر از مهمترین اقسام صور تعبیری است که شامل اوزان و بحر شعری می باشد. وحدت ارگانیک در شعر نیز باعث ایجاد انسجام در ابیات شعر می گردد. به طوری که با کم کردن یا تقدم و تاخر ابیات در بناء شعری اخلاص ایجاد می شود. احساس یک ادیب را می توان از طریق موسیقی و آهنگ کلام او فهمید. در حقیقت آهنگ و موسیقی مبین تجربه ی شعوری است که ادیب کسب نموده، سپس الهام های روحی روانی نفسانی یا بارهای احساسی بیدار کننده و مؤثری را که با خود دارد، به مخاطب منتقل می سازد (محمد رضایی، ۱۳۸۱ ش: ۲۶۱) امام (ع) در اشعار خود با اعتماد بر محسنات بدیعی و با به کارگیری الفاظ دقیق و الهام بخش باعث به وجود آمدن موسیقی عرفانی گردیده است که مبین تجربه ی شعوری امام (ع) است. تجربه شعری شامل سه عنصر وجدان یا عاطفه، افکار و صور تعبیری است. اگر در نظر بگیریم که عنصر عاطفی همان احساساتی است که در اثنای تجربه ی شعوری بر شاعر مستولی می شود، درمی یابیم که امام (ع) هم در عین حال که در اشعارشان احساسات را دخیل دانسته از توجه به واقعیت موجود جامعه و به کار گیری عاطفه در بیان مسایل و مشکلات جامعه غافل نبودند. رمز موفقیت در داشتن یک وجدان و عاطفه خوب در شعر، صدق شعوری است. صدق شعوری منجر به صدق شعری می شود؛ یعنی شاعر در بروز احساساتش صادق است و این درستی و راستی در شعرش آشکار می باشد لذا هرچه را احساس می کند بدون هیچ کم و کاست می آورد (خورشا، ۱۳۸۱: ۱۱).

امام (ع) نیز با تکیه بر درستی احساس و افکار صادق و خالص، عاطفه را در خدمت عقل قرارداد و درباره ی مسایل پیچیده و غامض عقلی از طریق زبان عاطفه و وجدان سخن می گویند.

امام (ع) در صیانت ادبی خود با بکارگیری صور تعبیری مناسب، تجربه شعوری خود را به تجربه شعری تبدیل کرده اند. استفاده از تشبیه، استعاره، کنایه، جناس، تناقض و سایر صنایع بدیعی و استفاده از اغراض مختلف بلاغی، وحدت ارگانیک، وحدت موضوعی و وحدت احساسی به خوبی در اشعار امام (ع) مشاهده می شود. در یک تجربه شعری وحدت موضوعی نیز باید رعایت شود تا همه ابیات از یک موضوع و تجربه شعوری برخوردار باشند. وحدت در احساسات نیز مهم است. یعنی شاعر در یک احساس و تجربه شعوری صحبت کند که همان اغراض بلاغی شعر است مانند: دعا، رجا، التماس، نصیحت، تهدید، مدح، تحقیر، تمنی، تحسر، عتاب، حزن، تعجب و غیره. رعایت همه این موارد در یک تجربه شعوری باعث به وجود آمدن یک تجربه شعری خوب و جاودان می گردد.

نتیجه گیری



ادبیات در عصر امام صادق (ع) همانند سایر علوم پیشرفت کرد، چرا که امام (ع) نهضت علمی و فرهنگی بزرگی به وجود آوردند که حاصل آن تأسیس دانشگاه بزرگ جعفری و تربیت چهارهزار شاگرد بود. کلام امام صادق (ع) که در قالب احادیث، گفتگوهای خطابی، مناظرات، دعا و... آمده است. احادیث امام (ع) به عنوان یک عمل ادبی که به دو عنصر تصویر و موسیقی تکیه داشته و با عناصر تشبیه، استعاره، تمثیل و... آراسته شده است. معیارهای بلاغت و فصاحت از منظر امام صادق (ع) به عنوان یک قاعده در بین ادیبان شناخته می شوند. با توجه به اینکه ادبیات متعهد به مدح اهل بیت (ع) اختصاص دارد و به صدق عاطفه و مدح واقعی متمایز می باشد. امام (ع) دیگران را به یادگیری این گونه شعر تشویق می نمایند و این ترغیب نشان دهنده ی اهمیت ادبیات متعهد در نزد ایشان می باشد.

منابع

قرآن کریم.

الأشتر، عبدالکریم (۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م). *الملتقى دراسات فى التراث الإسلامى*، دمشق: المستشارية الثقافية للجمهورية الإسلامية الإيرانية، چاپ اول.

الأمین، محسن (بی تا). *أعیان الشیعة* بیتا، تحقیق: حسن الأمین، بیروت: دارالتعارف، .

الأمین، محسن (۱۴۲۱ق). *الشیعة فى مسارهم التاريخى مقدمه ی أعیان الشیعة*، تقدیم، ابراهیم بیضون، قم: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.

البستانی، محمود (۱۴۱۴ق). *القواعد البلاغیة فى ضوء المنهج الإسلامى*. مشهد: مجمع، البحوث الإسلامیة، چاپ اول.

البستانی، محمود (۱۳۸۱ش). *مختصر تاریخ الأدب العربی فى ضوء المنهج الإسلامى*. تهران، سمت، چاپ اول.

الحاج حسن، حسین، (۱۴۱۸ق، ۱۹۹۷م). *الامام الصادق عطر النبوة و منهج الحیاء*. بیروت: دار المرتضى، چاپ اول.

الحرانی، ابن شعبه. (۱۳۸۲ش). *تحف العقول عن آل الرسول*. ترجمه: احمد جنتی تهران: امیر کبیر. بی چاپ.

خورشا، صادق. (۱۳۸۱ش). *مجانى الشعر العربى الحديث و مدارسه*. تهران: سمت، چاپ اول.

سید قطب. (۱۴۱۰ق). *النقد الأدبى اصوله و مناهجه*. قاهره: دار الشروق، چاپ ششم.

مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ناصر (ش ۱۳۷۳). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب، الإسلامیة، چاپ هفدهم.

نعمه، عبدالله، (۱۴۰۰ق). *لأدب فى ظل التشیع*. بیروت: دار التوجیه الإسلامی، چاپ دوم.

فصلنامه ی لسان مبین پژوهش ادب عربی (علمی - پژوهشی). سال دوم، دوره ی جدید، شماره ی دوم، اسفند ۱۳۸۹، ص ۲۵-۵۳.